



دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۰۱۴/۰۵/۰۷

## از دیموکراسی «وارداتی» چه آموختیم؟

به تاریخ ۲۶ اپریل ۲۰۱۴م خبر نگار "بی بی سی"، در گزارش خبری خود، سه هفته بعد از تدویر "سومین انتخابات"، مؤرخ ۵ اپریل ۲۰۱۴م، برای انتخاب رئیس جمهور جدید در افغانستان، از نتایج "مقدماتی" آن چنین خبر داد: "انتخابات افغانستان بین عبدالله - غنی به دور دوم گذاشته شد." "بی بی سی"، تاریخ دور دوم را مانند گزارش قبلی خویش، ۲۸ ماه می ۲۰۱۴م و اعلان رسمی "نتایج نهائی" رأی شماری را، بعد از "بررسی شکایات" توسط "کمیسیون شکایات انتخاباتی"، که گویا تخلفات و "جعلکاری" رخ داده است، روز ۱۴ ماه می یاد آور می شود. بعد از آن، "شیپگل آنلاين" در تفاوت با اطلاع "بی بی سی"، تاریخ دور دوم را روز ۷ ماه جون ۲۰۱۴م خبر داده است.



"دیوید لوین" (David Loynd) نماینده "بی بی سی"، قبل از تدویر انتخابات، در حالیکه موضوع مهم را در انتخابات، تعیین سرنوشت "توافق امنیتی بین ایالات متحده امریکا و افغانستان"، دانسته است، که "منتظر امضاء" می باشد، زیرا رئیس جمهور "برحال" با "طرح شروط جدید"، آنرا به "امضاء" رئیس جمهور جدید، بعد از انتخابات پلان شده، موکول ساخته است. چنین حالتی را هم که در دور اول احتمال موفقیت هیچ کس را نمی دیده است، "پیش گوئی" نموده بود، که حال در تحت نام "تحلیل"، بدین متن توضیح می دهد: «از همان لحظات آغاز نتایج مقدماتی واضح بوده است، که فقط دو کاندید در برابر همدیگر قرار خواهند گرفت، که برای یکی از آنها، "شانس" برندگی وجود خواهد داشت...»

از زبان هر دو کاندید فوق، گزارشگر هم چنان حکایت می کند، که گویا هر دو گفته اند: "مردم فغانستان" باید در نهایت "نتیجه" روشن را به کاندید با رأی خود ممکن سازد. علاوه از اینکه در اعلان مقدماتی و "قسمی وضعیت حساب "آرا" بین "عبدالله و غنی"، از رقم ۱۳ بعنوان فاصله نسبتاً بزرگ، بنفع "عبدالله" تذکر می دهد، در عین حال یاد آور می شود که "عبدالله"، "متوقع است" تا "اکثریت آرای" قوی ترین کاندیدان چون - "زلمی رسول" و "عبدالرسول سیاف" را هم در "دور دوم" حاصل نماید. هر یک ازین "کاندیدان"، بر امتناع از "معاملات" پشت دروازه های بسته، به خاطر جلوگیری از رفتن به "دور دوم" تأکید بعمل می آورند.

گزارشگر ضمن آنکه از وضعیت دومین "انتخابات" در سال "۲۰۰۹م"، که "عبدالله" سرسختانه و تا مرحله نهائی برای کسب قدرت مبارزه کرد، هم چنان یاد آور گردیده، می نویسد: "داکتر عبدالله علناً خود را مطمئن احساس می کند، که در مقام رئیس جمهور قرار گیرد." اما در آنوقت "عبدالله" در برابر "حامد کرزی" رئیس جمهور بر حال، از "رفتن به دور دوم" امتناع ورزید.



درین مدت بیش از "دوازده سال" ولو کمی خفیف هم باشد، تصویر معین بدست می دهد، که چه کسانی، در کنترل "افغانستان" دست خواهند داشت. وقتی به این عکس توجه شود، ممکن علامات یا "سیگنال هایی" هم حاصل گردیده بتواند، که چه "علائق منطقوی" نیز، درین "تغییر" در مقام "رهبری" کشور در حال "بحران"، وجود خواهد داشت.

یک امر عادی است که، هر یک از آنها می خواهد، ازین پروسه با "قدرت اعظمی" برنده شود. یا به اصطلاح برنده در انتخابات شفاف شناخته شود. از جانب دیگر وقتی کلمه "شفاف" را از زبان نسل جوان کنونی، بخصوص "مهاجرین" در کشور های "اروپای غربی"، شمال "امریکا" و "استرالیا" می شنویم، نباید خیلی جدی گرفت، چنین افراد که می توان اکثریت آنها را، در صف "جوانان مارکیتینگ" در تبلیغات "سیاسی"، بعضاً به احتمال قوی، بر حسب دستاویز نیز دانست، اکثراً فاقد آگاهی های لازم، در باره تاریخ و فرهنگ کشور ما، شناخته شده، ارزیابی های "سطحی" غیر علمی و "مفت"، ولی پر زرق و برق فریبنده را هم که صریحاً دور از واقعیت بینی می باشد، بزبان

د پانو شمیره: له 1تر7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

می آورند. اینکه در شرایط "بحرانی" افغانستان، این دو کاندید تا چه "حد"، در "احراز" قدرت، "مشروعیت" تعریف شده را بدست خواهد آورد، "حقیقت" را به "آینده" موکول می نمایم. همه تلاش ها از هر دو جانب، برای دریافت صلاحیت "مطلق و قاطع" بکار می رود. اما گزارشگر "بی بی سی"، هم چنان می نویسد: "بحث های شدید در پس پرده نیز جریان دارد، تا از دور دوم صرف نظر گردد. قوای امنیتی بیم شدت زور و نا آرامی را نشان می دهند، در صورتی که رای گیری در هوای گرم تابستان صورت گیرد. در حالت "امتناع" از آن، نگرانی مرفوع خواهد بود."

بهر صورت در حال حاضر اخبار و "شایعات" رفتن به "دور دوم" و یا "تقسیم قدرت" بین این دو "کاندید" ورد زبانها شده است، گزارشگر، علاوه می کند که هر دو از "رفتن به دور دوم" حرف زده اند. چنانچه از زبان "عبدالله" می نویسد: "ما با هیچ کس در باره ائتلاف در تشکیل حکومت، مذاکره نداشته ایم." همین منبع "بی بی سی" هم چنان خبر می دهد، که "رئیس جمهور آینده" در برابر "مبارزه طلبی ها" و "مطالبات" بی شمار، بشمول "خروج قوای خارجی" در اخیر همین سال و "حملات طالبان"، قرار خواهد داشت.

در عنوان مطلب که از کلمه "وارداتی" کار گرفته شده است، یک نوع تلاش بوده است، تا توجه خوانندگان محترم، به نیازمندی محسوس، جلب گردد، تا هر یک ما، خود را به "واقعیت های" تلخ زندگی، چه در عرصه بین المللی و چه در عرصه داخلی باشد، متوجه سازیم. هدف از ذکر این مفهوم "وارداتی" این نه بوده است، که خدا نا خواسته مردم ما، با ماهیت انتخابات و مفهوم "دیموکراسی"، بیگانه نشان داده شوند. نویسنده آگاهی دارد که مردم ما در تحت تسلط و حاکمیت نظام سلطنتی، اقل پنج سال قبل، قریب یک "دهه" با یک "شکل دیموکراسی" آشنا شده اند، که تفصیل درین مقاله نه می گنجد. از "دهه های" طولانی به این طرف می "خوانیم" و "می شنویم" که "انقلاب های اجتماعی - سیاسی" و هم "دیموکراسی"، و غیره "فورماسیون های سیاسی - اجتماعی و هم حقوقی"، "صادر" و یا "وارد" شده نه می تواند. تلاشهای بی شمار، درین جهت در گذشته در سائر نقاط جهان، به شمول افغانستان هم، رخ داده است، اما با تأسف که هر تلاش درین راه ها، عواقب غم انگیز و تباه کننده برای افراد جامعه، داشته است. باز هم در برابر آن، "قدرت طلبان"، گوش "کر"، "چشم کور" و در جمعه سر بجای مغز، پُر از مواد مشابه با "سمنت" و یا "کانکریت"، از خود نشان داده اند. در هر فرصت، به محافل "افراطی" و "ارستوکرات ها" که خود را ممکن "فرستنده" های، ما فوق انسان های "عادی" جامعه بدانند، برای تشکیل حاکمیت ها، راه مراجعه "معاملوی" را می یابند.

آنچه در تاریخ بشر، همواره مورد توجه و هم مورد مناقشه قرار داشته، پروسه تشکیل و یا ضرورت تأسیس و ضرورت به موجودیت "دولت" بوده است، تا برای جامعه شرایط زندگی در "صلح" را ممکن سازد، طوری که در مراحل مختلف و در جوامع مختلف، عناصر تشکل دهنده آن هم تفاوت داشته است. در آغاز، طوری که اسناد و "شواهد" را علمای "تاریخ" تشریح نموده اند، گفته می شود که در آن مراحل اولیه، تمام تلاش ها در "جهتی"، بکار می رفته است، تا هر چه به توان داشته اند، در وزن و نفوذ، "قدرت" و حاکمیت دولت می افزوده اند. اما با گذشت زمان، مجبور بوده اند، که در فکر آن شوند، تا در صورت امکان، جلو با قدرت شدن "بیحد" دولت ها و حکومت گرفته شود.



با امتناع از "تسلیم" به شایعات و هم "ارزیابی" های "سطحی" زیاد، باره اوضاع کشور و "جهان" ما، یک بار دیگر، خوانندگان محترم را به "نتایج" کنفرانس "بن" متوجه می سازیم.

اداره "موقت" در سال ۲۰۰۱م در "بن" آلمان، از "چهار گروپ" که در مقالات متعدد، در مورد نیز بیان شده است، در شرایط و احوالی تشکیل گردید، که "کابل زیبای کشور ما"، با سائر شهر ها و دهات ما را، در نتیجه "جنگ بر سر قدرت"، به چنان "ویرانه" مبدل نمودند، که در حقیقت و "عملاً"، نقش تاریخی خود را به حیث یک شهر "پایتخت" از دست داده بود. (این عکس در زمستان سرد گرفته شده است.)

د یانو شمیره: له 2تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی دلپکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

این تصویر نشر شده در شپینگل" را بطور نمونه از نظر می گذرانیم: (در پایان تصویر می خوانیم: " داخل شهر کابل در جنگ ویران شده است. هوشدار از فاجعه گرسنگی.")

نیاید فراموش نمود که علاوه از تفاوت های بزرگ مشهود، در تناسب قوت و نفوذ "اجتماعی - سیاسی" این گروه های "اشتراک کننده در بن"، و هم در ترکیب اجتماعی آنها، در "قوت جنگی" نیز تفاوت بزرگ وجود داشته، در عین حال حتی در همان آغاز گفته می شد، که "کنفرانس بن" از تمام جوانب درگیر "نماینده" ندارد. اما باز هم آنطوریکه نمایندگان سازمان ملل متحد اظهار می داشته اند، با وجود همه "کمبودی ها"، "معتقد" بوده اند، که اگر سیاست درست به پیش برده شود، افغان ها می توانند به صلح برسند.

درین کنفرانس، البته در "مسیر" ایجاد اداره سیاسی آینده، چنان تصامیم هم اتخاذ گردید که تلاش رجعت به تجارب گذشته "تاریخ"، چون "لویه جرگه" و تدوین قانون "اساسی" نیز صورت گرفت. البته برای نویسنده ذکر اصطلاح "وارداتی"، بنا بر دلایل معین مورد استعمال خود را می بیند، با وجود آنکه، دوره "دیموکراسی ده ساله" را درین کشور بعد از نیمه دوم دهه شصت قرن بیست، بیاد داشته و خود در سن "انتخاب کننده"، در آن دوره شمرده می شده است.

آن "دیموکراسی" یک شکل خود را داشته است، نیاید فراموش کرد، که جامعه افغانستان در آنزمان، در مناسبات قوی تر "عنعنوی" و مناسبات "قومی" و بیشتر غرق در تمایلات "محلی" قرار داشته است. در پارلمان "دو مجلسه" در آنوقت، که متشکل از "ولسی جرگه" و "مشرانو جرگه" بوده است، در آن دوره ها، به مراتب امکان "تصویب قوانین" لازم و ضروری سهل تر و هم چنان، آن مجالس پارلمان، از کلتور و فرهنگ کار عالی تر برخوردار بوده است. شرایط جنگی، "عدم نمایندگی وسیعتر" در "کنفرانس بن"، نفوذ "خارجی" در تعیین "مسئولین" دولتی و غیره وابستگی ها، دلایلی است که بر "وارداتی" بودن، این "دیموکراسی" حکم می تواند. وقتی کشور های مهم "اتتلاف" در "جنگ علیه تروریسم" و در مجموع، "بیلاس" مأموریت خود را "ناکام" ارزیابی نموده اند، پس ما از "وابسته" آنها، که اقلأ تا ختم، همین سال ادامه دارد، چه انتظار دیگر داشته خواهیم توانست؟

فقط همان "گروه های معینه بن"، در تمام پروسه "بعدی" در حاکمیت دخیل بوده اند، که تا همین امروز هم اداره و کنترل کشور را در اختیار دارند. از آن زمان ببعده، "بازی های" حلقات "حاکم" و "تشکل" های مختلف، از درون همان "چهار گروه"، تمثیل گردیده است، بدون اینکه در جهت حل "سیاسی"، بمعنی اصلی کلمه، قدم های مؤثر و روشن برداشته شود. اگر این و یا آن شخص که "به حیث فرد"، با سابقه، "نقش سیاسی" احتمالی، در ساختار سیاسی گذشته نزدیک افغانستان داشته بوده باشد، و درین مدت دوازده سال، در داخل کشور بسر برده و تا حدی هم ممکن همچو افراد، صاحب "نفوذ فردی" در حاکمیت باشند، به هیچ صورت در نقش "توسعه پایه های سیاسی - اجتماعی" دولت و نظام سیاسی آن در کشور، اثر قابل ملاحظه مثبت نخواهند داشت. چنین "مهره" ها، از مدت ها قبل است که از "اعتماد" مردم محروم شناخته شده اند. همه در "صف ناکامان خارجی و داخلی" این دوازده سال، محسوب می گردند. (از طریق "لینک" ذیل، گزارش را در باره کنفرانس "بن" می توانید، مطالعه نمایند.)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahliha\\_PDF/ma\\_yusufi\\_conf\\_petersberg\\_bonn\\_wa\\_afg.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahliha_PDF/ma_yusufi_conf_petersberg_bonn_wa_afg.pdf)

زامداران از مرحله آغاز تا امروز، همان زامداران اند، که در "بن" تعیین گردیده اند و یا در طول دوران بحران، چندین دهه، در "بازی قدرت" دست داشته اند. نشان "انگشت" و "رد پای" آنها، در همه مراحل، در هر در و دیوار و در هر فلم و ورق چاپی، کاغذی و یا "الکترونیکی" محفوظ مانده است. مردم "خسته" از جنگ در کشور ما که بیش از "هفتاد فیصد" آنها، به تکالیف "مختلف" روانی و عمدتاً "دبیرسیون" (دلتنگی) روبرو هستند، در لیست انتخاباتی، با نام های "هشت کاندید" که برای آنها "معرفی" گردیده بود، آشنائی حاصل نمودند. مردم رأی "دادند، هیچ کس، "دی ان ای" (DNA) خود را "تغییر" داده نمی توانست، تا در ختم بر "پیشانی" آنها از روی این محصول "قدرت طبیعی"، از جانب "گزارشگران سطحی نگر"، "مهتر" "طرفدار" و یا "مخالف" این و یا آن "قوم" کوبیده نه می شد. اینکه ممکن افرادی هم موجود باشند، که با "ویروس نژاد پرستی" ملوث شناخته شده بتوانند، موضوع بحث نویسنده درین مقاله نیست. این جا، سرنوشت یک جامعه، دولت، هویت اتباع و موجودیت فزیکتی و سلامت آنها، یعنی زندگی اتباع مطرح است که باید، در مورد، به عالی ترین وجه دقت بکار برده شود و از حرف

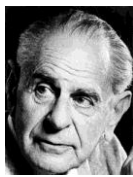
د یانو شمیره: له 3تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

های بی مسئولیت خودداری بعمل آید. تا اکنون ثبوت و تحلیل از ترکیب "رای" دهندگان ارائه نه شده است. همه با سابقه "کاندید ها" هم، تا حدی واقف اند.

آنچه غیر قابل انکار باقی می ماند، اینست که در طول تاریخ، این "اداره" و حکومت" در نوع خود، از جمله "وابسته ترین" اداره و دولت در تاریخ کشور، شمرده شده می تواند، که فقط از خود دارای مشخصات خاص بوده، با هیچ "حاکمیت" گذشته مقایسه شده نمی تواند. طرز تفکر رهبران آن، در عرصه داخلی و خارجی، روز تا روز، از اعتبار می افتد. مقایسه آن هم یک "ضیاع وقت" بیهوده شناخته می شود. وقتی "حامیان بین المللی" آن، ازین "اداره" شاکی اند، این خود یک دلیل موجه شمرده می شود. اما بهر صورت، باید "وابستگی" این "حاکمیت" و "وارداتی" بودن "دیموکراسی" آنها، مانع آن نگردد که از آموزش و "تجارب" و "نتایج" علمی بشر، از هر کنج و کنار دنیا و از هر جامعه که امکان دسترسی به آن موجود باشد، استفاده بعمل آید. این چنین کوشش و تلاش نباید با تلاش های "صدور و ورود یک جانبه"، به مغالطه گرفته شود.



قبل از اینکه به ادامه "تحلیل" نماینده "بی بی سی" دوباره تماس گرفته شود، به این چند سطر از گفتار یکی از بزرگترین و مهمترین "تیوریسن های اجتماعی"، قرن بیست، "آقای کارل رایموند پوپر" (Sir Karl Raimund Popper CH) (متولد ۲۸ جولای ۱۹۰۲م در "ویانا"، متوفی در ۱۷ سپتمبر ۱۹۹۴م در لندن. "فیلسوف اتریشی - برتانوی"، مراجعه می نمائیم. از این دانشمند مهم دنیا، آثار بی شمار در ساحه "شناخت و تیوری علمی، فلسفه اجتماعی - تاریخی و خاصاً در رابطه با فلسفه سیاسی، به میراث مانده است، که به عنوان اساس گذار "تعقل انتقادی" شناخته شده است. کتب علمی - فلسفی او، در سراسر جهان به زبان های مختلف، ترجمه و به نشر رسیده است. (عکس این دانشمند فراموش ناشدنی، در سال ۱۹۸۰م، گرفته شده است.)

همه می دانند، که با انداختن ورقه "رای" در "صندوق" یک کاندید، در حقیقت، انسان، یک نوع "صلاحیت آمریت" بر خود و هم بلاخره، صلاحیت "آمریت" بر اجتماع را، بیک شخص و یا یک حزب می سپارد. اینکه هر یک ما در مورد چگونه فکر می کنیم، نه می توان درین لحظه چیزی گفت. هر کس خود می داند و در مجموع، تابع عوامل و شرایط متعدد دیگر زندگی، نیز می باشد. بر حسب تصادف، درین مورد، اظهار نظر "صوتی" دانشمند و "فیلسوف" معروف دنیا را شنیدیم. مفهوم اظهار نظر ایشان بطور خلص چنین حکایت می گردد. او می گوید:

«مهم ترین اینست که حتی به بزرگ ترین ... بزرگ ها، باید اعتماد نشود، که هرگاه با در دست داشتن یک "پتنت" (Patent) (حق امتیاز اختراع یا فرمان)، مدعی شود، که «اگر شما برایم صلاحیت کامل تعمیم قدرت و پیروی کامل از اوامر مرا بر خودتان بدهید، شما را به "جنت" رهنمائی می کنم» جواب ما این خواهد بود که ما به هیچ کس حق کامل پیروی، از قدرت و تعمیم کامل قدرت بر خود ما را، نمی دهیم، ما می خواهیم که "قدرت و زور" به حد "اقل" تخفیف داده شود. زیرا "قدرت و زور" خود یک پدیده "بد" و "شرارت آور" است، ما نه می توانیم، یک "بد" را با "بد" دیگر طرد کنیم ...».



(این صحبت در سال ۱۹۷۴م صورت گرفته است، که در تلویزیون به نشر سپرده شده است.)

درین زمان قریب یک سال از "کودتای بدون خونریزی" در افغانستان سیری گردیده بود، که رژیم چهل ساله پشاه "محمد ظاهر شاه" سقوط داده شد. آن "کودتا" یک پروسه یا یک "شکل" دیموکراسی" را که در افغانستان، قریب "ده" ساله "شده بود و در حال "غنی شدن در تجربه و آموزش" بوده است، در قدم اول "متوقف" گردانید و "چهار سال" بعد، در کشور ما، به "حادثه خونین" سقوط رژیم "کودتائی" قبلی انجامید. یک سال بعد از این حادثه خونین در کشور ما، در کشور همسایه غربی، ایران رژیم پادشاهی آن نیز با سقوط خونین روبرو گردید.

حال می بینیم که این دانشمند، با سابقه "سوسیالیست" بودن در قرن بیست، که مقام علمی بی مثال را اشغال نموده است، و با نشر کتاب خویش تحت عنوان "اجتماع باز و دشمنان او"، خاصاً مبحث جدیدی را در بخش "فلسفه" نیز ایجاد نموده است. حال بطور نمونه، می بینیم که در رابطه با "دیموکراسی" چه گفته است.

مجله "شپینگل" بتاریخ ۱۹۸۷/۰۸/۰۳ مقاله مختصری را در باره "تیوری دیموکراسی" از دید "کارل پوپر"، به نشر سپرده است. در جایی "کارل پوپر" می نویسد: از «ماه جولای ۱۹۱۹م بعد، از زمانی که "مارکسیزم" را کنار گذاشته ام، با سیاست و تیوری سیاست، فقط به حیث یک تبعه دولت و به حیث یک دیموکرات علاقمند بوده ام»

این دانشمند که از "اشکال دیموکراسی" در صحبت های توضیحی خویش هم چنان به مفهوم اینکه یک "تجربه" است، تذکر می دهد، درین مطلب، چنین می خوانیم: «در حقیقت فقط دو شکل از دولت ها وجود دارد: یکی چنین دولت ها، که در آنها، ممکن است، بتوان از قید حکومت ها، بدون خونریزی، آنها را از طریق انتخابات و رأی گیری، رهائی یافت. هم چنان دولت هایی موجود اند که در آنها، چنین امکان وجود ندارد. فقط موضوع بر سر این امر است، نه بر اینکه بر شکل دولت چه نام گذاشته می شود. بر طبق عادت و معمول شکل اولی را "دیموکراسی" می نامند و شکل دومی را "دیکاتور" یا "ستمگر و مستبد". جای ندارد که روی کلمه (جمهوری دیموکراتیک آلمان (DDR)) به مناقشه پرداخت. تعیین کننده قابل تغییر بودن حکومت، بدون خونریزی است.»

هرگاه به گزارشات قبلی در باره انتخابات تاریخ ۵ اپریل ۲۰۱۴م، مراجعه نمایم، منابع نشراتی متعدد "غربی" این "حادثه" را اولین "رویداد" خوانده اند، که در نتیجه آن، یک رئیس "جمهور انتخابی" به یک "رئیس جمهور انتخابی" دیگر، "قدرت" را خواهد سپرد.

حال مسئله بر سر اینست، ک صاحبان قدرت در "افغانستان" و "حلقات اجتماعی - سیاسی" که بعد از "کنفرانس بن" در "۵ دسمبر ۲۰۰۱م"، در ترکیب "قدرت حاکمه" سهیم گردیده اند، "چه شکل دیموکراسی" را پیاده ساخته اند. گنجایش به تفصیل نیست، اما طوریکه قبلاً نیز گفته شد، همان ترکیب، "چهار گروپ"، که در "اداره مؤقت"، حتی اشخاص را با "ذکر نام" تعیین نموده بودند، قدرت را مانند "گروگان" در اختیار دارند. حال باید دید که تا اکنون به "چه پیمان" و یا با "کدام وسعت"، پایه های "اجتماعی- سیاسی" تحکیم و توسعه یافته است، که در امر "حل بحران" و دست یابی به صلح و "ثبات" در کشور افغان ها، قدم های "کیفی" مؤثر، برداشته شده باشد. تغییر محدود افراد در بعضی از مقامات و یا تشکیل "جبهه"، در تحت نام "اپوزیسیون" یا ضد "حکومت" در داخل "نظام" حاکم، در حقیقت پاش دادن "خاک" به چشم مردم ما و جهانیان شناخته شده، مغشوش ساختن "ماهیت اصلی" و "نقش اپوزیسیون" در سیستم های واقعی و مجرب "دیموکراسی" نیز تعریف می گردد، که این اعمال را هم جز "فتنگری" و فریب عوام ساده، دیگر مفهوم برایش یافت شده نمی تواند.

تصویر ای که در "کنفرانس بن"، به مطبوعاتی ها و "سیاستمداران" خارجی، از محافل سیاسی افغانستان "بحرانی" انتقال یافت، تصویری بوده است، کاملاً جعلی و در ضدیت با همبستگی مردم ما. درین تصویر، در "پهلوی قوت جنگی گروپ ها"، از ترکیب اجتماعی "ابتنی" و فرقه های "مذهبی" نیز نام می برده اند. این "تصویر جعلی" خاصاً در فریب "ده سال جنگ داخلی"، مکرراً ترسیم می گردیده است، که اهداف خاص سیاسی در عقب آن نهفته بوده است، پیروان این راه و روش غیر علمی، تلاش نموده اند، تا ریشه های اصلی "جنگ" را در افغانستان، در "تفاوت های ابتنی" مدعی شوند، تا ازین طریق، اهداف "قدرت طلبی" فردی و گروپی خود را بیوشانند. اگر بطور مثال یک تبعه "افغان" از "قوم هزاره" است و یا "شیعه" است، برای "دولت ملی" بی تفاوت است. درین دولت یک حق مساوی آنها با همه اعضای دیگر، تا زمان ای که یک افغانستان وجود داشته باشد، این حق محفوظ است.

مغرضین ممکن در احصائیه های مختلف در تحت عناوین مختلف، و در تحت مفاهیم "اقابیت" و "اکثریت" استفاده نا مشروع نمایند. ممکن همه "خارجی های علاقمند واقف نه باشند، که به عنوان مثال، حتماً "هر هزاره شیعه نیست" و "هر شیعه هم هزاره نیست" این سؤال در مورد تمام گروپ ها ی دیگر هم به همین مفهوم مطرح شده می تواند. بدین معنی که مشابه به آن، "هر پشتون هم "سنی" نیست و هر "سنی" هم حتماً "پشتون" نیست. حرف بر سر این نیست، که یک تبعه کشور "شیعه" است و یا "سنی"، "هندو" است و یا "مسلمان". با داشتن سند تابعیت دولت بر طبق قانون "حق رأی" دارد و آزاد است، که به "کی" رأی می دهد و در پرنسپ "انگیزه" نزد خودش "سری" بوده می تواند. به همین ترتیب حق "کاندید" شدن را هم دارد. بناءً ادعا هائی که گویا، افراد بنابر تمایل "قومی" رأی داده اند، در حالیکه "حق" خود آنهاست، چه کسی می تواند، از "حافظه" مغزی انسان های دیگر، خبر گیرد، بدون اینکه پرسش و یا مطالعه دقیق صورت گیرد. در چنین حالات جمع آوری نظرات و تمایلات بطور دقیق احصائیه لازم را

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی



می طلبد، در غیر آن حرف بی مسئولیت و تحریک آمیز در جهت "جدائی" و "تبعیض نژادی" شمرده می شود. عملی است ضد وحدت ملی.

این گروه های "نظامی - سیاسی"، در "حقیقت برای استفاده از کمک های خارجی، و ایجاد مفهوم "اقلیت" و "اکثریت" نیز، بنفع خویش کار گرفته اند. بطور مثال و قتی، رهبران "اتحاد شمال" دیدند، که با "جولوگیری" از اشتراک "طالبان معتدل" در کنفرانس "بن" که بعضی از کشور ها، بخصوص "پاکستان" خواهان آن بوده اند، مطبوعات، موضوعات "ایتنی" را مطرح ساخته، "طالبان را پشتون خواندند. ( حتی "لخدر ابراهیمی" نماینده سازمان ملل متحد، بعداً آن تصمیم را یک "اشتباه" دانست.) رهبران اتحاد "شمال" نیز ازین چنین "وابستگی ها" در داخل جامعه، بنفع خویش کار گرفتند.

در پهلوی "جهادی و جنگی" بودن، هریک از گروه های متشکل در آن، بطور مشهود از "احساسات"، مردم "خسته از جنگ" در امر کسب بیشتر "نفوذ" بنفع مواضع آن گروه های متذکره، استفاده نا مشروع نموده اند، در حقیقت تلاش نموده اند، تا هم خود را "جنگی و جهادی" بنامند و هم در گروه اجتماعی - و مذهبی، خود را "نماینده و حاکم" آنها، جا دهند. این قدرت جدید را "زیرسایه" و در تحت تأثیرمیل تفنگ در بین جمعیت های "قوم" و "قبیله" و "فرقه های مذهبی" مختلف حفظ داشته اند، که هیچگاه، نه با خواست تمام "قوم" و نه هم با معتقدات گروه های "مذهبی" مردم ما مطابقت داشته می تواند. این وضعیت ممکن است، در فضای "انتخابات" هم اثرات بخرن داشته بوده باشد، که نیازمند بررسی علمی می باشد. تحلیل علمی از آن، تا اکنون صورت نگرفته است.

"پیشداوری های" ذهنی و تمایلات نا سالم "نژادی" افراد "مریض" را نه باید، علمی و یا "اطلاعاتی" واقعی دانست. "تنظیم های مسلح" که در تحت نام "جهاد"، در فضای "جنگ سرد" از "جانب" قدرت های جهانی "ضد اتحاد شوروی"، حمایت می شدند، بعد از "خروج قوای شوروی"، و پس از "سقوط" رژیم "قبلی"، که آنرا حامی دولت "چپی" افغانستان می دانستند، به "جنگ داخلی" پرداختند.



به همگان معلوم است، که "بعد" از تسلیم دهی راکت های "ستنگر"، به "مجاهدین مستقر" در "پشاور" که گفته می شود، در سال ۱۹۸۴م آغاز یافته است، "چرخشی" را به نفع "جنگی های تنظیمی مستقر" در پشاور بوجود آورد. درین "اواخر" بیشتر از هر وقت دیگر، هواداران، "جنگی" های "مجاهدین" خاصاً ساکن در "اروپا" و "امریکا"، بصراحت، از جانب "حامیان محلی" یا "منطقوی" آنوقت خود شان، شکایت دارند. با "ختم جنگ سرد"، که "بُرنده"، رهبر کشور بزرگ در ملاقات فوق شناخته می شود، بشمول "حریف" شکست خورده، این حلقات را گذاشتند، تا اقل با استفاده از "دیپو" های "دست داشته"، به "زور آزمائی" بپردازند.

*(منبع نشراتی عکس فوق را از ملاقات "رونالد ریگن"، با "اتباع افغانستان و پاکستان" در زمان "حضور قوای شوروی می داند. )*



درین لحظات، صاحبان قدرت، بعضاً به تبدیل "جبهات" و "سنگر های جنگی"، بنا بر هر دلیلی که بوده است، "دوست قبلی را دشمن امروز" و "دشمن قبلی را دوست امروز" تعریف نمودند. در عکس سمت چپ "متن"، "احمد شاه مسعود" با "مجاهدین" پیرو خود، با "جنرال محمد نبی عظیمی" و "جنرال محمد آصف دلاور" و غیره، "جنرالان رژیم سقوط یافته" مشترکاً، مصروف "تسخیر کابل اند؟". این دو عکس را فقط برای "ایجاد" حد اقل تصویر درین مقاله کوتاه از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم. تا ببینند که "جنگ سرد" چه فرصت هائی را برای "تشنه های" قدرت در داخل کشور نیز فراهم می ساخته اند و "جنگ های نمایندگان" را بجای "مقابله مستقیم" سازمان می داده اند.

د یانو شمیره: له 6تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

این "افراد" طبیعتاً "هم‌چنان"، "پیرو" چنان عقاید بود اند، که "منازعات" را می‌توانند، از طریق "نظامی" حل نمایند، با تأکید، می‌گفته اند، که "قدرت سیاسی" از "میله تفنگ" یا "لوله تفنگ" بدست می‌آورند.

زمامداران فعلی هم، بنا بر انتخاب همان قدرت، دوازده سال "قبل" بر اریکه "قدرت" رسانیده شده اند. بناءً وقتی امروز از "دیموکراسی" در کشور ما نام برده می‌شود، نباید نا دیده گرفته شود، که این «دیموکراسی» را "کی‌ها"، به کشور آورده اند؟ چه "قیمت" را مردم ما تا به حال برای "حاکمیت" آنها، درین قریب دوازده سال پرداخته اند؟ حال هم چه پروسه جریان دارد؟ آینده این تجربه دیموکراسی چه خواهد بود؟ خلاصه اینکه: از دیموکراسی «وارداتی» چه آموختیم؟



(در عکس از "جورج دبلیو بوش"، در قصر ریاست جمهوری در کابل، در ماه مارچ ۲۰۰۶م، "رئیس جمهور و معاونین رئیس جمهور، برای دیدار کاری و صرف طعام، در حال پذیرائی دیده می‌شوند.")

حال بار دیگر به این چند سطر، "تیورینسن" یاد شده، نظر می‌اندازیم که او "دیموکراسی" را چگونه تعریف می‌کند:

« طوری که هر کس می‌داند، در زبان آلمانی "دیموکراسی یا دیموکراتی"، بمعنی "حاکمیت مردم یا سیادت مردم" یاد می‌شود. برخلاف "ارستوکراسی" (حاکمیت بهترین‌ها و یا نجبا و اشراف) و "مونارشی" (حاکمیت فرد). لیکن معنی و مفهوم کلمه به پیشرفت کمک نمی‌کند. زیرا در هیچ جایی مردم حاکمیت ندارند: در همه جا حکومت‌ها (متأسفانه بیروکراسی، یعنی مأموران دولتی، که فقط به سختی به مسئولیت کشانیده شده و یا بکلی به مسئولیت کشانیده شده نمی‌توانند)، حاکمیت دارند. علاوه بر آن برتانیه کبیر، دنمارک، ناروی و سویدن "مونارشی" (پادشاهی) و در عین زمان مثال‌های خیلی خوب اند، که دیموکراسی دارند...»

از جانب دیگر، نباید فراموش کرد، که در جامعه "کثیرالانتیک" افغانستان، که در "بحرانی‌ترین" مرحله تاریخ آن درگیر است، ممکن مردم آن بیشتر از هر جامعه دیگر، با پرابلم‌های پیچیده‌تر و هم‌چنان با "پیش‌داوری"‌ها و بی‌اعتمادی‌های بیشتر، علیه هم‌دیگر روبرو باشند، که قابل درک بوده می‌تواند.

وقتی در چنین مرحله از جانب، ناظران خارجی، موضوعات "اینتی" در بررسی‌های آنها طرح می‌گردد، قابل فهم است، اما اگر، از صف اتباع افغانستان مطرح گردد، باید برای آنده از هموطنان گفته شود، که در کشور ما، مردم ما با همین "ترکیب" نژادی و اجتماعی، از قرن‌ها به این طرف پهلوی هم زندگی داشته‌اند و ازین وطن مشترکاً دفاع نموده‌اند، حال هم حق دارند، مشرکاً مالک آن باشند.

پایان

د یانو شمیره: له 7تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ